

نام و یاد کرد حضرت رقیه علیها السلام در آثار و منابع کهن تا پایان قرن هفتم

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۱۷

دکتر محمد رنجبر حسینی^۱

چکیده

حضرت رقیه علیها السلام یکی از جلوه‌های احساسی و عاطفی قیام امام حسین علیه السلام است. از سده‌های اولیه تا پایان قرن هفتم علما و بزرگان در آثار خود از حضرت رقیه علیها السلام و سرگذشت او یاد کرده‌اند. هدف این تحقیق، بازخوانی آثار دانشمندان تا پایان قرن هفتم برای یافتن مؤیدها و مستندات تاریخی برای تقویت فرضیه وجود حضرت رقیه در روز عاشورا و شهادت او در شهر شام است. این نوشتار با روش توصیفی و شیوه کتابخانه‌ای برای رسیدن به هدف فوق سامان یافت و به این نتیجه رسید که با توجه به اشعار صحابی امام صادق علیه السلام سیف بن عمیره دررثای امام حسین علیه السلام و ثقه دانسته شدن او از سوی رجالیون شاخص همانند نجاشی، بیهقی، سید بن طاووس و عماد الدین طبری، می‌توان اثبات فرضیه وجود دختر خردسالی را برای امام حسین علیه السلام به نام رقیه تقویت کرد.

کلیدواژه‌ها: حضرت رقیه علیها السلام، منابع کهن، سیف بن عمیره، بیهقی، سید بن طاووس، عماد الدین طبری.

۱. عضو هیئت علمی گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث ranjbarhosseini@gmail.com

مقدمه

قیام امام حسین علیه السلام از هنگام حرکت از مدینه تا روز عاشورا و پس از آن تا اسارت خاندان اهل بیت علیهم السلام آکنده از حوادثی مختلف و حزن‌انگیز بوده که تاریخ، گوشه‌ای از آن را حکایت کرده است. یکی از این وقایع، نقل شهادت دختری از امام حسین علیه السلام مشهور به حضرت رقیه علیها السلام در شهر شام است.

هدف این مقاله، بازخوانی و بازیابی نام و یادکرد حضرت رقیه علیها السلام در منابع کهن از سده‌های اولیه تا پایان قرن هفتم است تا روشن گردد با وجود اختلاف‌ها و تردیدها در وجود و یا نام چنین شخصیتی در قیام امام حسین علیه السلام و شهادت او در اسیری، علمای گذشته با توجه به قرائن و شواهد تاریخی، اجماً وجود دختری خردسال برای امام حسین علیه السلام و شهادت او را در اسارت پذیرفته‌اند.

درباره حضرت رقیه علیها السلام کتاب‌ها و نوشتارهای متعددی خصوصاً در دوران معاصر نگاشته شده است که محوریت اکثر آنها اشعار، نام و سرگذشت و نحوه شهادت ایشان و یا پاسخ به شبهات است؛ اما رویکرد این مقاله نوعی بازخوانی آثار و منابع کهن برای یافتن گونه‌ای مؤیدها و مستندها بر وجود چنین شخصیتی در عاشورا و شهادت او در شهر شام است. علت انتخاب بازه زمانی تا پایان قرن هفتم هم بدین جهت است که این منابع، منابع مصدر هستند و کتب بعد از قرن هفتم تا دوره معاصر اکثراً به این منابع ارجاع می‌دهند. از این رو اهمیت بازشناسی این منابع روشن می‌گردد. نوشتار حاضر به بررسی منابع کهن درباره حضرت رقیه علیها السلام بر اساس سیر تاریخی می‌پردازد.

۱. قرن دوم هجری (نقل «سیف بن عمیره» صحابی بزرگ امام صادق علیه السلام)

از قدیمی‌ترین اسناد موجودی که نام حضرت رقیه علیها السلام در آن ذکر شده، قصیده سوزناک سیف بن عمیره - از روایان برجسته احادیث امام صادق علیه السلام - است. نجاشی در کتاب رجالی خود در وصف او می‌نویسد:

سیف بن عمیره نخعی کوفی، از امام صادق و امام کاظم علیهما السلام روایت نقل می‌کند

و او دارای کتابی است که جماعتی از راویان از کتاب او نقل روایت می‌کنند.
(نجاشی، ۱۴۲۴: ۱۸۹)

شیخ طوسی نیز در کتاب رجالی خود او را ثقه و مورد تأیید می‌داند (طوسی، ۱۴۱۵: ۲۲۲). میرزا محمد بن علی بن ابراهیم استرآبادی هم در کتاب *منهج المقال* خود، ایشان را ثقه و از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام معرفی می‌نماید (استرآبادی، ۱۴۲۲: ۱۴۱/۲).

در مجموع می‌توان گفت سیف بن عمیره از اصحاب جلیل‌القدر دو امام شیعه، از روایان زیارت عاشورا، دارای آثار و مورد تأیید اکثر رجال یون شیعه است. این شخصیت در ذکر مصائب امام حسین علیه السلام قصیده‌ای جان‌سوز دارد که در ابیات آن، دوبار از حضرت رقیه چنین یاد می‌کند:

وَسَكِينَةٌ عَنْهَا السَّكِينَةُ فَارَقَتْ	لَمَّا أَبْتَدَيْتِ بِفُرْقَةٍ وَتَغَيْرِ
وَرُقِيَّةُ رَقَّ الْحَسُودُ لِضَعْفِهَا	وَعَدَا لِيَعْذِرَهَا الَّذِي لَمْ يَعْذُرْ
وَلَا مَ كَلْثُومَ يَجِدُ جَدِيدَهَا	لِشَمِّ عَقِيبِ دَمُوعِهَا لَمْ يَكْرُرْ
لَمْ أَنْسَهَا وَسَكِينَةَ وَرُقِيَّةَ	يُنْكِيئُهُ بِتَحْسُرٍ وَتَرْفُرٍ
يَدْعُونَ أُمَّهُمْ الْبَتُولَةَ فَاطِمًا	دَعْوَى الْحَزِينِ الْوَالِهِ الْمُتَحِيرِ
يَا أُمَّنَا هَذَا الْحُسَيْنُ مَجْدَلًا	مُلْقَى عَفِيرًا مِثْلَ بَدْرِ مَزْهَرِ

(طریحی، ۱۴۱۲: ۲۳۴)

این اشعار را علامه طریحی در کتاب *المنتخب فی جمع المراثی والخطب* آورده است.

۱. آرامش از سکینه جدا شد چون که او از امام خود جدا گردید. حضرت رقیه کسی بود که حسودان برای ضعف و ناتوانی اش دل سوزانند. این عده فردای قیامت مجبور به عذرخواهی از او می‌شوند، هر چند که هیچ عذری برای آنها وجود ندارد... حضرت ام کلثوم نیز هر لحظه صورت اشک‌آلودش را با پارچه‌ای پاک می‌کند... من هیچ‌گاه ام کلثوم و سکینه و رقیه را فراموش نمی‌کنم که برای امام حسین با آه و ناله حسرت‌گریه می‌کردند... آنها مادرشان حضرت فاطمه علیها السلام را با حال محزون و سرگردان و حیران صدا می‌زدند... آنها با مادر خود چنین می‌گفتند: «ای مادر! این حسین فرزندت هست که همچون ماه روشن به روی خاک افتاده و در خاک و خون غلتیده است.

۲. محقق بزرگ فخرالدین بن محمد علی بن احمد طریحی ساکن نجف و طریح نام قبیله او بوده است. نسب

نویسندگان بعد از ایشان تا معاصران در نقل این اشعار، اکثراً به این متن استناد می‌کنند. گزارش علامه طریحی در صورت پذیرش، یکی از قدیمی‌ترین اسنادی به شمار می‌رود که از حضرت رقیه علیها السلام نام برده است.

۲. قرن پنجم هجری (نقل علی بن ابی القاسم بیهقی در کتاب لباب الأنساب والألقاب^۱)

ظهیرالدین ابوالحسن علی بن ابی القاسم زید بیهقی (۴۹۰-۵۶۵) مشهور به ابن فندُق مورخ و ادیب قرن پنجم هجری و ششم هجری قمری است. ایشان کتاب‌های متعددی نگاشته که معروف‌ترین آنها تاریخ بیهقی و لباب الأنساب و القاب هستند. بیهقی به نام حضرت رقیه به عنوان یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام چنین اشاره می‌کند:

أما الحسينية فهم من أولاد الحسين بن علي ولم يبق من أولاده إلا زين العابدين و فاطمة و سكينه و رقية؛ (بیهقی ۱۴۱۰: ۳۴/۱)

از فرزندان امام حسین علیه السلام جز حضرت زین العابدین و فاطمه و سکینه و رقیه علیها السلام باقی نمانده است.

با توجه به این که بیهقی، تاریخ‌نگاری توانا بوده و به علم انساب نیز تسلط داشته، آوردن نام حضرت رقیه علیها السلام به عنوان یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام یکی از مهم‌ترین اسنادهای تاریخی برای اثبات چنین فرزندی برای آن حضرت است.

۳. قرن ششم (سید بن طاووس در کتاب اللهوف علی قتلی الطفوف)

سید رضی الدین، علی بن موسی بن جعفر مشهور به سید بن طاووس^۲ (م ۶۶۴ق) - از

شریفش به حبیب بن مظاهراسدی برمی‌گردد. ایشان در علوم مختلف مانند فقه، اصول، رجال و درایه، لغت و ادب، حدیث، اخلاق، ریاضی و تفسیر و... صاحب تألیف است. وی آثار علمی متعددی دارد که از جمله مهم‌ترین و بزرگ‌ترین آثار او کتاب مجمع‌البحرین در علم لغت به شمار می‌رود. این محقق بزرگ، از علمای برجسته و از پارسیان وارسته قرن یازدهم بود که در سال ۱۰۸۵ق در رماحیه، واقع در عراق وفات یافت. (آقابزرگ تهرانی، اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۵)

۱. این کتاب در سال ۵۵۸ تألیف شده و در باب انساب سادات است. این اثر توسط انتشارات آیت الله نجفی مرعشی علیه السلام در دو جلد به کوشش مهدی رجایی در ۱۴۱۰ق در قم به چاپ رسیده است.

۲. رضی الدین علی بن موسی بن طاووس، معروف به سید ابن طاووس در تاریخ ۵۸۹ ه.ق در جله، یکی از

علمای بزرگ شیعه - آثاری مهم و اثرگذار نگاشته است. از جمله این آثار، کتاب *اللاهوف علی قتلی الطفوف*^۱ است. این کتاب با نام *الملاهوف* نیز شناخته می شود. ایشان در مقدمه کتاب خود، هدف از نگارش این کتاب را داشتن یک مقتل موجز می داند که افراد را از همراه بردن سایر کتاب ها بی نیاز کند (سید بن طاووس، ۴: ۱۴۱۴). وی قبل از کتاب *اللاهوف*، کتاب *مصباح الزائر و جناح المسافر* را نیز با انگیزه همراه بودن کتاب موجز در باب زیارات تألیف نموده است (همو: ۵).

صاحب *اللاهوف* در باب وداع امام حسین علیه السلام با همسر و فرزندانش چنین می نویسد:

يَا أُخْتَاهُ! يَا أُمَّ كُلثُومَ، وَأَنْتِ يَا زَيْنَبُ، وَأَنْتِ يَا فَاطِمَةَ، وَأَنْتِ يَا رَبَّابَ انْظُرْنَ إِذَا أَنَا
فُتِلْتُ فَلَا تَشْفُقْنَ عَلَيَّ جَبِيًّا وَلَا تَحْمِسْنَ عَلَيَّ وَجْهًا، وَلَا تَقْلُنَّ هُجْرًا! (همو: ۱۴۱)

خواهرم ام کلثوم! و توای زینب! و توای رقیه! و توای فاطمه! و توای رباب! زمانی که من به قتل رسیدم گریبان چاک نزنید و روی نخرائید و کلامی بر زبان نرانید.

ممکن است اشکال شود که مراد از رقیه خواهر امام حسین علیه السلام، دختر حضرت علی علیه السلام باشد که با توجه به نقل بیهقی در *لباب الانساب* و اشعار سیف بن عمیره، فرضیه دختر امام حسین علیه السلام حضرت رقیه علیها السلام تقویت می شود.

۴. قرن هفتم (عمادالدین طبری، در کتاب کامل بهائی^۲)

عمادالدین حسن بن علی بن محمد بن علی بن حسن طبری مازندرانی (م ۹۸۸ق)^۱

شهرهای عراق متولد شد. او از علمای شیعه و نویسندگان سده هفتم هجری است. نسب سید ابن طاووس از جانب پدر به حسن بن علی و از جانب مادر به حسین بن علی می رسد و به سبب سجایای اخلاقی بسیار، تقوا و مراقبه فراوان، حالات عرفانی و کراماتش به «جمال العارفين» معروف است.

۱. ترجمه: آه های سوزان بر کشتگان بیابان

۲. مشهورترین اثر عمادالدین، کامل بهائی است. وی این کتاب را در اصفهان به پاس تجلیل و احترامی که بهاءالدین صاحب دیوان از او به عمل می آورده، برای او تألیف و به نام او موسوم کرده است. این کتاب به فارسی است. مؤلف در مدت دوازده سال مشغول تألیف آن بود، مقدمه کتاب با برشماری عقاید شیعه و اوصاف شیعیان آغاز می شود و در ۲۸ باب به سامان می رسد... در باب بیست و هشتم در خروج امام حسین علیه السلام از مکه است. برخی از مطالب تاریخی و نکات کلامی در این کتاب دیده می شود که منحصر به آن می باشد و منشأ و منبعی هم برای آن ها ذکر نکرده است. دیگر ویژگی های این کتاب، بهره گرفتن از آثار ضد اموی و نویسندگان محب اهل بیت علیهم السلام است که برخی از آن آثار از بین رفته اند؛ مانند کتاب های *حاروت فی مذمات معاویه* و *مثالب بنی امیه* (دوانی، علی، مفاخر اسلام)

از نویسندگان امامی فارسی زبان است که توانست در سایه حمایت های بهاء الدین محمد بن محمد جوینی (م ۶۷۸ق) کتاب هایی را در دفاع از تشیع پدید آورد. ایشان جریان شهادت دخترکی از امام حسین علیه السلام را در اسارت این گونه گزارش می کند:

زنان خاندان نبوت در حالت اسیری، حال مردانی را که در کربلا شهید شده بودند بر پسران و دختران ایشان پوشیده می داشتند و هر کودکی را وعده می دادند که پدر توبه فلان سفر رفته است، باز می آید. تا ایشان را به خانه یزید آوردند. دخترکی بود چهارساله، شبی از خواب بیدار شد و گفت: پدر من حسین کجاست؟ این ساعت او را به خواب دیدم؛ سخت پریشان بود. زنان و کودکان جمله در گریه افتادند و فغان از ایشان برخاست. یزید خفته بود، از خواب بیدار شد و از ماجرا سؤال کرد. خبر بردند که ماجرا چنین است. آن لعین در حال گفت: بروند سر پدر را بیاورند و در کنار او نهند. پس آن سر مقدس را بیاوردند و در کنار آن دختر چهارساله نهادند. پرسید: این چیست؟ گفتند: سر پدرتوست. دختر بترسید و فریاد برآورد و رنجور شد و در آن چند روز جان به حق تسلیم کرد. (طبری، ۱۴۲۶: ۱۷۹/۲)

اگر چه طبری در این متن اسمی از حضرت رقیه نمی آورد، اما با توجه به قرائن و شواهد، می توان دریافت که مقصود، حضرت رقیه علیها السلام است. به هر حال نقل چنین گزارشی در قرن هفتم توسط یک مورخ و متکلم شیعی، حکایت از دسترسی او به منابعی دارد که امروزه موجود نیستند. چنان که محدث قمی در کتاب *فوائد الرضویه* این گونه می نویسد:

کتاب کامل بهائی، نوشته عماد الدین طبری، شیخ عالم ماهر و خبیر، متکلم جلیل، محدث نبیل و فاضل فهامه، کتابی پرفایده است که در سنه ۶۷۵ تمام شده و قریب به ۲۱ سال همت شیخ مصروف بر جمع آوری آن بوده، اگر چه در اثنای آن چند کتاب دیگر تألیف کرده است... از وضع آن کتاب معلوم می شود

۱. گفتنی است نباید صاحب کامل بهائی را با عماد الدین، محمد بن علی طبری، صاحب کتاب *بشارة المصطفی لشيعة المرضى* که تا سال ۵۵۳ زنده بوده، اشتباه گرفت.

که نُسَخِ اصول و کتب قدماى اصحاب نزد او موجود بوده است. (محدث قمى، ۱۳۸۷: ۱۱۱/۲)

با توجه به اعتماد شيخ عباس قمى به صاحب کتاب کامل بهائى، ايشان در کتاب منتهى الآمال عين نقل عماد الدين طبرى را - که گذشت - مى آورد (همو: ۱/۳۱۷). اگرچه در نفس المهموم جريان شهادت دختر خردسال امام حسين عليه السلام را با پردازشى خاص و احساسى بيان مى کند که امروزه اکثر سخنرانان و مداحان در هنگام ذکر مصيبت حضرت رقيه عليها السلام آن را بيان مى کنند (محدث قمى، ۱۳۷۸: ۴۵۶).

نتيجه

با توجه به اين که در طول تاريخ شيعه، بعضى از کتاب ها و آثار شيعه در حمله ها و آتش سوزى ها از بين رفته يا بر اثر آتش حقد و کينه و تعصب، حقايق گزارش نشده، نمى توان درباره همه وقايع تاريخى قضاوتى مطلق گرا، خواه ايجابى يا سلبى داشت؛ از اين رو ناگزير بايد به گزارش هاى موجود و قرائن و شواهد مراجعه کرد تا به ظن قوى يا اطمينان رسيد. جريان وجود دختری برای امام حسين عليه السلام به نام يا ملقب به «رقيه» نيز از اين دسته گزارش هاى تاريخى است که موافقان يا مخالفان مطلق گرايى دارد. يکى از اين قرائن و شواهد، نقل پيشنيان و علمای قرون اوليه است؛ چراکه ايشان به منابع دست اولى دسترسى داشتند؛ از اين رو با توجه به اشعار صحابى امام صادق عليه السلام سيف بن عميره در رثاى امام حسين عليه السلام و ثقه دانسته شدن او از سوى رجاليان معروف همانند نجاشى و نقل بيهقى در کتاب لباب الانساب و نقل سيد بن طاووس در اللهوف و گزارش بدون نام طبرى در کامل بهائى مى توان اثبات فرضيه وجود دختر خردسالى را براى امام حسين عليه السلام به نام رقيه تقويت نمود. البته مفروضات ديگر نيز مانند اين که رقيه، لقب فاطمه صغرا دختر ام اسحاق باشد نيز مى تواند يکى از احتمالات باشد.

در هر حال مى توان نتيجه گرفت که بر اساس گزارش هاى تاريخى و اسناد موجود، اظهار نظر قطعى امکان پذير نيست؛ اما بر اساس شواهد و کراماتى که از مزار و مرقد منتسب به حضرت رقيه عليها السلام گزارش شده، معنوى بودن اين مکان و انتساب آن به اهل بيت عليهم السلام تقويت مى شود (رى شهري، ۱۳۹۳: ۱/۳۹۳).

منابع

- استرآبادی، محمد بن علی (۱۴۲۲ق)، *منهج المقال فی تحقیق احوال الرجال*، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، چاپ اول.
- بیهقی، ابی الحسن علی بن ابی القاسم بن زید الشهیر بابن فندق (۱۴۱۰ق)، *لباب الانساب واللقاب والاعقاب*، تحقیق: مهدی رجایی، قم، انتشارات نجفی مرعشی.
- تهرانی، آقابزرگ (بی تا)، *الدریعة إلى تصانیف الشیعة*، نجف اشرف.
- دوانی، علی (۱۳۸۰ش)، *مفاخر اسلام*، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- سید بن طاووس (۱۴۱۴ق)، *التهوف علی قتلی الطفوف*، تحقیق: شیخ فارس تبریزیان (حسون)، قم، انتشارات اسوه.
- طبری، عمادالدین (۱۴۲۶ق)، *کامل بهایی*، ترجمه: محمد شجاع فاخر، قم، المكتبة الحیدریة.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۲ق)، *المنتخب فی جمع المراثی والخطب*، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن بن علی (۱۴۱۵ق)، *رجال الطوسی*، قم، نشر جامعه مدرسین، چاپ اول.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۸ش)، *نفس المهموم*، قم، انتشارات بصیرتی.
- _____ (۱۳۷۹ش)، *منتهی الآمال*، قم، چاپ مؤسسه انتشارات هجرت.
- _____ (۱۳۸۷ش)، *الفوائد الرضویة*، قم، چاپ مؤسسه انتشارات هجرت.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳ش)، *دانشنامه امام حسین عليه السلام*، قم، انتشارات دارالحديث.
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۲۴ق)، *فهرست اسماء مصنفی الشیعه (رجال النجاشی)*، تصحیح: موسی شبیری زنجانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین.